

## بررسی سنت اعتراض و جایگاه آن در فرهنگ تشیع از نگاه شرق شناسان مطالعه موردی ویلفرد مادلونگ

msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

مریم سعیدیان جزی / استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۹

دریافت: ۹۴/۴/۱۹

### چکیده

این تحقیق در پی فهم ارتباط میان تشیع و اعتراض در نزد شرق شناسان است. برای انجام این تحقیق، آراء یکی از مستشرقان پرارجاع یعنی مادلونگ مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه تاکنون در این زمینه پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است، پژوهش اسنادی حاضر از نوع شناختی و توصیفی - تحلیلی، و روش گردآوری داده در این تحقیق، فیش برداری بوده است. نتایج حاصل شده از این تحقیق حاکی از آن است که مادلونگ اگرچه مانند برخی دیگر از مستشرقان در تأکید بر نقش امام حاضر بر رویکردهای اعتراضی جامعه شیعی همسوست؛ ولی با مقدماتی متفاوت به نتیجه مذکور دست یافته است. در نظر مادلونگ، تشیع امامی حداقل از زمان امام جعفر صادق علیه السلام دارای تاریخی پیوسته و صاحب هویت است و فقه امامی، مفاهیم پایه‌ای این مذهب مانند امامت را به خوبی مشخص نموده است. مادلونگ بر مبنای فقه شیعی و برخلاف نظر دیگر مستشرقان، بر این باور است که امام معصوم مسیر جامعه را در همه امور از جمله اعتراض تعیین می‌نموده و قرار گرفتن آنان حول محور امامت به واسطه این امر بوده است.

کلیدواژه‌ها: تشیع، اعتراض، شرق شناسان، مادلونگ.

## مقدمه

دیدگاه‌ها نسبت به دیگران منصفانه‌تر و غیرجانبدارانه‌تر است. منابع تحقیق مورد استفاده وی صرف‌نظر از تفاوت‌های جزئی که با دیگران دارد، شامل دو گروه از منابع عمده و مهم شیعی و سنی اعم از منابع تاریخی رجالی و عقیدتی می‌شود. مادلونگ به واسطه جهت‌گیری غیرجانبدارانه علمی، بهره‌مندی از روش علمی و استفاده از منابع مختلف اسلامی به‌ویژه نصوص دینی و مجامع روایی شیعیان امامی تحقیق درباره آموزه‌ها و عقاید امامیه - که کمتر محققان غربی آن را به عنوان مبنای تحقیق خود قرار داده‌اند - به عنوان یکی از شیعه‌پژوهان معروف غربی شناخته شده است. او به بحث در حوزه‌های کلام شیعی، متکلمان شیعی و روحانیت و رابطه آن با حکومت هم پرداخته و علی‌رغم تمایلات معمول نسبت به مطالعات زیدی و اسماعیلی در میان شیعه‌پژوهان غربی، بیش از دیگران عقاید و اعمال شیعه امامیه را مورد کاوش قرار داده و زمینه‌های طرح و توسعه مطالعات شیعی را در طرح مسائل امامیه و ارائه رویکردهای جدید شیعه‌پژوهی فراهم آورده است.

## ۱. چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

مذهب شیعه به‌ویژه به عنوان مذهبی تأثیرگذار بر تحولات سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی مسلمانان در گذشته و حال مورد توجه مستشرقان قرار گرفته و شیعه‌پژوهی به عنوان یکی از محورهای مهم مطالعات این گروه و از جهتی در رأس آنها قرار داد. در این میان، پدیده تحرک جنبش‌های اسلامی که بر ابعاد سیاسی اسلام تأکید بیشتری دارند، به عنوان یک مسئله جدی مورد توجه مستشرقان قرار گرفته و گاه از آن به عنوان «تجدید حیات اسلام» و گاه به عنوان «تحول در قرائت‌های ایدئولوژیکی

ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی در اسلام مبتنی بر آرمان‌های وحیانی - انسانی است و در زمره تکالیف ایمانی مسلمانان به‌شمار می‌رود. ارتباط میان اسلام و به صورت اختصاصی تشیع، با ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی، تاکنون مورد توجه بسیاری قرار گرفته است؛ ولی روحیه عدالت‌طلبی در اسلام، در بسیاری از متونی که توسط شرق‌شناسان به نگارش درآمده، با عنوان کلی «اعتراض» مورد توجه قرار گرفته است. آنچه از سوی مسلمانان به عنوان مفهومی مثبت و حایز اهمیت قلمداد می‌شود، از نگاه این محققان، در بهترین حالت، مفهومی خنثاست.

این تحقیق صرفاً به بررسی دیدگاه مستشرقان درباره رابطه اعتراض و تشیع در میان امامیه (دوازده امامی) پرداخته و درصدد پاسخ به این سؤالات است که شرق‌شناسان چه دریافتی از تشیع و ماهیت آن دارند؟ و چرا مفهوم اعتراض را در رابطه با تشیع مطرح می‌کنند؟

در میان گروه‌های مختلف مستشرقان غرب، محققان آلمانی به خاطر سهمی که در توسعه مطالعات اسلامی و شیعی انجام داده‌اند، مورد توجه محافل علمی قرار گرفته و آثار آنها کمابیش مورد استناد مراکز دانشگاهی و شیعه‌شناسی غربی قرار گرفته است. در این تحقیق، آراء یکی از این شیعه‌پژوهان آلمانی یعنی مادلونگ که نسبت به مطالعات شیعی علاقه‌مند بود و آراء و آثار او کمتر با انگیزه‌ها و اهداف استعماری و سیاسی ارتباط داشت، مورد بررسی قرار گرفته است (موسویان، ۱۳۷۵، ص ۳۲).

علاوه بر اینها، مهم‌ترین وجه تمایز این محقق غربی نسبت به دیگران، منابعی است که به آن استناد و ارجاع داده است. می‌توان گفت: این منابع شامل سه دسته منابع می‌شود که نسبت به سایر کارهای انجام‌شده در حوزه شیعه‌شناسی متنوع‌تر و قوی‌تر بوده و در ارائه نتایج و

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است (احمدوند، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳-۱۸۳؛ فلاطوری، ۱۳۵۲).

آنچه از یافته‌های شیعه‌پژوهان غربی به دست می‌آید، تفاوت رویکرد علمی آنان نسبت به مطالعات شیعی است که به تبع، در ارائه نتایج و تحلیل داده‌های به دست آمده، توسط آنان اثر گذاشته است. این رویکرد البته در میان مستشرقان و محققان حوزه مطالعات مذهبی - دینی شایع بوده و به نوعی می‌توان گفت برگرفته از نگاه مدرنیته و جهان‌شمولی تفکر غربی است که در حوزه دانش اعم از تاریخ و عقاید هم اثر گذاشته است. براین اساس، می‌توان گفت: آثار موجود از این محقق آلمانی دارای دو رویکرد اصلی پدیدارشناسانه و تاریخی‌نگری و یک رویکرد نسبتاً کلامی است که بیشتر در تحقیقات مادلونگ قابل دریافت است. دو رویکرد نخستین بر اساس مفروض گرفتن دگرگونی‌های تدریجی در تکوین مذاهب اسلامی و در نتیجه، قایل شدن به دیدگاه تحول و تغییر در عقاید نه الزاماً تکامل آن است. براین اساس، بررسی تاریخی تشیع به منظور فهم چگونگی تطور و تغییرات آموزه‌های شیعی است؛ اعم از آنکه در بستر زمان به وجود آمده (تاریخی) یا زمینه‌های مؤثر (پدیدارشناسانه) در ایجاد این تغییرات چه بوده و شیعه چگونه از آن تأثیر پذیرفته است. در رویکرد کلامی هم اگرچه محققان غربی کمتر به آن پرداخته‌اند، اما در بررسی علت‌ها و مبانی کلامی معتقدند شیعیان در فهم آموزه‌ها و پیاده کردن آن دچار اختلاف آراء بوده یا در نتیجه تعامل و حضور جریان‌های مختلف مانند غنوصیان و غلات و... به این سطح از عقاید دست یافته‌اند.

در رویکرد زمینه‌های تاریخی تجربه ناشی از این تطور و استمرار تاریخی بنای تحلیل گروه‌های شیعی قرار می‌گیرد. براین اساس، آنچه به دست می‌آید، اینکه

از اسلام» یاد می‌کنند که اساساً با اصل آن سازگاری کاملی ندارد. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که در تقویت و تحریک این انگیزه سهم بسزایی داشته، حماسه عظیم انقلاب اسلامی در دوران معاصر است که توسط یک مجتهد بزرگ شیعی به جهان پر ادعای تفکر اومانیستی ارائه شد و هم‌زمانی حاکم بر تفکرات غربی درباره اسلام و شرق و نظم جهانی را به هم زد (سیفی، ۱۳۹۱). آثار مطالعاتی مستشرقان در زمینه شیعه و تشیع، به نسبت سایر مطالعات تطبیقی - مذهبی و حتی اسلامی دارای سابقه‌ای دیرینه نیست و در این میان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و دستاوردها و پیامدهای ناشی از آن اعم از اهمیت شیعیان در جغرافیای سیاسی و جریان‌های اجتماعی، تأثیر فراوانی بر مطالعات شیعه‌شناسی غربیان گذاشت. براین اساس، باید گفت: هدف اصلی توجه غرب به شیعه‌پژوهی، تحقیق درباره تاریخ و عقاید شیعه، شناخت وضعیت تشیع در عصر حاضر و چگونگی تأثیرگذاری آن بر جریان‌های اجتماعی با تأکید بر روحانیان و دانشمندان شیعی است.

کارهایی از این دست که عمدتاً در قالب کتاب و مقاله یا مدخل‌های موجود در دائرةالمعارف‌های دین و اسلامی به چاپ رسیده، مورد استناد محققان اسلامی یا شیعه‌پژوهان غربی قرار گرفته و از جهت نتایج، رویکرد، روش، میزان و اعتبار منابع، مورد استفاده در گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد و از جهات مختلف نیازمند نقد و بررسی است. در این آثار فارغ از انصاف و روحیه علمی برخی از مؤلفان‌شان و ویژگی‌های تحقیقی و مطالعاتی و روشمند بودن گروهی از آنها، غالباً شناخت همه‌جانبه و صحیحی از آراء و عقاید شیعه در آثار مستشرقان میسر نشده و در نتیجه، یافته‌ها و آراء آنان بیش از اظهارات واقع‌گرایانه، به پراکنده‌گویی و فهم غیرحقیقی از قضیه منجر گردیده و در نتیجه، بیشتر معطوف به اهداف

دارای دیدگاهی شکاکانه به تاریخ و عقاید شیعه هستند و شیعیان را یک اقلیت سیاسی معترض معرفی می‌کنند که فاقد یک ایدئولوژی مشخص برای بیان چرایی و چگونگی اعتراض آنها می‌باشد. درحالی‌که اعتراض امامیه برگرفته از اندیشه اسلامی - الهی مبتنی بر نظام امامت و در راستای عمل به تکالیف ایمانی است و متأسفانه، محققان غربی آن را به مثابه انتقام و اعتراض تعریف کرده و در نتیجه، اراده و خواسته گروهی را که به نام شیعه معرفی کرده‌اند، تا حد یک آشوب سیاسی - اجتماعی تقلیل داده و در حرکت‌های شیعی دچار سوءبرداشت شده‌اند. در ادامه، آراء مادلونگ توصیف و تحلیل شده نه از آن‌رو که الزاماً به تأیید یا رد آن‌ان پردازد که این امر اگرچه مهم، اما مقالی مستقل را می‌طلبد. سابقه مطالعات غربی‌ها در خصوص فهم اعتراض شیعی عمدتاً با سه رویکرد صورت گرفته است:

**الف) رویکرد تاریخی:** برخی از محققان معاصر با نگاهی تاریخی به مفهوم اعتراض در تشیع، معتقدند: پس از حادثه کربلا و قرار گرفتن بنی‌امیه و عباسیان در مصدر قدرت، نقش سیاسی امامان شیعه به نفع نقش و مقام علمی و مذهبی آنها کاهش یافت و در این میان، خود امامان با عدم ورود به صحنه رقابت سیاسی و ایجاد امیدواری در شیعیان برای آینده نزدیک که حاکمیت الهی تحت زعامت امام قائم انجام خواهد گرفت، آنها را از مداخله در امور سیاسی پرهیز می‌دادند (مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). برخی دیگر هم نقش سیاسی امامان را در طرح برخی محورهای مهم سیاسی در تقابل با حاکمیت می‌دانند. از نظرگاه برخی از این افراد، تنها امام شیعی که پس از حماسه کربلا به صورت فعال در صحنه سیاسی ظاهر شد، امام کاظم علیه السلام بوده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۴۱). گروهی دیگر قایلند اگرچه

مبانی اعتقادی و رویکردهای اجتماعی و فرهنگی شیعه در طول زمان به دست آمده و قابل تغییر است. در نتیجه، آموزه‌های شیعی به دلیل عدم امکان تحقق تاریخی یا پیروزمندی، نه تنها امکان ظهور و تحقق را نخواهد یافت، بلکه عامل ایجاد رفتارهای سیاسی و اجتماعی همسو با این عقاید بوده، در نتیجه، سبب چالش آنها با اجتماع می‌شود. رویکرد پدیدارشناسانه، رویکردی مبتنی بر درک تغییرات سیاسی و تاریخی شیعیان بر اساس شرایط زمانی و مکانی است. در این رویکرد، ملاک تحلیل عمدتاً پدیده‌هایی است که امکان بررسی در چارچوب پیش فرض‌های تاریخی‌نگری را داشته باشد و از این‌رو، کمتر وارد حوزه فلسفه تاریخ، علیت تاریخی و جریان‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری حوادث تاریخی می‌شود. این رویکرد اگرچه بر اساس برخی روایات و اخبار تاریخی موجود وارد صحنه تحلیل و تفسیر می‌شود، اما در عین حال، بر اساس تحلیل تاریخ‌گرایانه خود با طرح برخی اخبار متناقض، تصویری متعارض و ناقص و ناصواب از شیعیان ارائه می‌دهد که فاقد ادله استدلالی و منطقی مناسب بوده و محل بحث فراوان است. مهم‌ترین نقد وارد بر آنها، این است که فهم آموزه‌ها و اعتقادات موضوعی فرازمانی و فرامکانی است که نمی‌توان آن را به صورت تاریخی و با تأکید بر زمان و مکان ارائه داد.

متناسب با این امر، تشیع از آغاز پیدایش خود، به واسطه شرایط فرهنگی اجتماعی و مکانی مسلمانان در صدر اسلام به عنوان اعتراض علیه تجاوز شکل گرفت و تمام آموزه‌ها و عملکرد آن در صدد مقابله با این تجاوز و تلاش برای تحقق آرمان‌های خود بوده است. گویی آموزه‌های شیعی همه برای این است تا آنچه اقتدار سیاسی شیعیان را تهدید می‌کند، رفع نماید. این گروه

اعتراض در تشیع بازکاوی شده تا حوزه مطالعاتی در این زمینه گسترده‌تر گردد.

## ۲. مفاهیم اصلی تحقیق

**شرق‌شناس و شرق‌شناسی:** منظور از «شرق‌شناس» یا «مشرق» کسی است که درباره مشرق‌زمین تدریس یا تحقیق می‌کند یا چیزی می‌نویسد (همان، ص ۲۱)، یا هر دانشمند غربی که شرق را مورد مطالعه قرار دهد (زقزوق، ۱۳۹۲، ص ۳۰). به تعبیر ادوارد سعید، شرق‌شناسی یک اسلوب اندیشیدن است که بر پایه تفاوت‌های مبتنی بر هستی‌شناسی و دانش‌شناسی استوار می‌باشد (سعید، ۱۳۸۹، ص ۲۱).

**شیعه و تشیع:** شیعه به کسی اطلاق می‌شود که جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حق اختصاصی خاندان رسالت دانسته و در معارف اسلام پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۵۴، ص ۲۵ و ۲۶). شیخ مفید در *اوائل المقالات* می‌نویسد: «شیعه» و «تشیع» متفاوت از یکدیگر هستند و ولاء یا تبعیت موجب تشیع می‌شود. بنا به نظر وی، وقتی «ال» تعریف بر سر واژه «شیعه» بیاید معنای آن خاص می‌شود و برای کسی به کار می‌رود که اعتقاد به امامت بلافصل امیرمؤمنان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد و امامت و رهبری کسانی را که در مقام خلافت بر او پیشی گرفتند نفی می‌کند و از کسی جز او تبعیت نمی‌کند (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۳۴-۳۵). بر اساس این تعریف، تشیع نام فرقه‌ای است که مشخصاً از این اصول تبعیت می‌کند (همان، ص ۳۶-۳۷).

**امامیه:** شیخ مفید در تعریف امامیه و تمایز آن نسبت به فرقه‌های دیگر مانند زیدیه و معتزله چنین می‌نویسد: امامیه (اهل الامامة) از جمله فرقه‌های شیعی است که اعتقاد به وجوب امامت و وجود آن در همه زمان‌ها دارد.

تصمیماتی از سوی برخی از شیعیان برای مقابله با قدرت‌های حاکم صورت می‌گرفت، اما در واقع، اندیشه اعتراض توسط بزرگان شیعی رهبری می‌شد و همین امر سبب گردید تا از تشیع حفاظت شود (سالامی و اوچمن، ۲۰۱۱، ص ۱۹۱).

**ب) رویکرد سیاسی:** برخی دیگر از آراء موجود مدعی است انگیزه‌های سیاسی موجب قرار گرفتن شیعیان در جریان‌های مخالف می‌شود (هالم، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱-۲۲۲). اما پیوند این انگیزه با مسائل و نیازهای اجتماعی و ضرورت اقتدار سیاسی زمینه ایجاد گروه‌های مستقل را فراهم می‌آورد که در آن مفهوم امامت و پس از آن رهبری اجتماعی - سیاسی در محور امور قرار می‌گیرد. در این رویکرد منشأ اختلافات مذهبی و سیاسی حول محور انتخاب رهبر است که به نوعی از ارکان اساسی تشیع به‌شمار می‌رود (واعظی، ۲۰۰۴، ص ۴۹). براین‌اساس کاربرد «تقیه» در واقع نوعی راهبرد سیاسی - عقیدتی برای حفظ عقاید و رهبری شیعیان بوده است (داکاک، ۲۰۰۶، ص ۳۲۵).

**ج) رویکرد مبتنی بر تحولات مدرن:** پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سبب بروز نظریاتی در باب اسلام، تشیع و روحانیت گردید. برخی دیگر، آن را محصول تحول در ایدئولوژی شیعی و اوج مشارکت روحانیت برخاسته از مکتب‌های مدرسی برای مدیریت اجتماعی می‌دانند (هالم، ۱۹۹۷، ص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ بیات، ۱۱۹۱، ص ۴).

بررسی پیشینه مطالعاتی در زمینه مفهوم اعتراض در تشیع، حاکی از این است که تاکنون تحقیقات مفیدی صورت گرفته، ولی پژوهشی که به طور خاص بر دیدگاه مستشرقان در خصوص این مفهوم، متمرکز شده باشد، انجام نشده است. از این رو، در این تحقیق تلاش می‌شود با استفاده از نظرات یکی از این شرق‌شناسان، مفهوم

وادی، دشت، کالا و متاع غیرنقدی می‌باشد و از باب افتعال به معنای تجسم و مطاوعه عرض است (بدیع یعقوب و عاصی، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۱۶۶). در زبان عربی این واژه به معنای «احتجاج» هم به کار می‌رود و منظور از آن ارائه دلیل و برهان و حجت‌هایی است که به وسیله آن بتوان ادعایی را اقامه و اثبات کرد (ر.ک: ابن منظور، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۱). در اصطلاح متکلمان، برابر تعریف سیدمرتضی، سخنی است که هدف از بیان آن تباه ساختن و باطل کردن مبانی استدلال و پایه‌های اعتقادی کسی است که با وی بحث و گفت‌وگو می‌شد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۸، ص ۲۶۰).

**ویلفرد مادلونگ و حیطة شیعیه‌پژوهی وی:** مادلونگ یکی از مستشرقان پرکاری است که آثار متعددی درباره تشیع نوشته و از ابعاد مختلف کلامی - تاریخی و گاهی جامعه‌شناسی مذهبی به آن توجه نموده است. مادلونگ در سال ۱۹۳۰ در آلمان به دنیا آمد. خانواده او در سال ۱۹۴۷ به ایالات متحده نقل مکان کردند. او در ۱۹۵۲ به مصر رفت و در طول یک سال اقامتش در مصر شاهد انقلاب مصر بود. مادلونگ پس از ترک مصر به آلمان بازگشت. او در سال‌های ۱۹۵۸-۱۹۶۰ به عنوان وابسته فرهنگی سفارت آلمان به عراق فرستاده شد (احیاء حسینی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۶).

اهمیت مادلونگ در نزد کسانی مانند گلیو تا جایی است که از او به عنوان پدر مطالعات شیعی مدرن در بریتانیا یاد می‌کند. مادلونگ سعی دارد تا ضمن بهره‌گیری از منابع مختلف اسلامی و به‌ویژه شیعی، به ارائه برخی نظرات پیرامون اسلام و تشیع پردازد و در این زمینه از جهت روش، ابزار و نتیجه بهتر از دیگران عمل کرده است. نظریه‌های شیعه‌پژوهی مادلونگ عمدتاً در *دائرة المعارف اسلام*، و برخی دیگر از آثار وی که بعضاً به

نص جلی و عصمت و کمال را برای هر امام واجب می‌داند و امامت را در فرزندان حسین بن علی علیه السلام منحصر می‌کند و به واسطه احادیثی که در این زمینه وجود دارد استعمال این لقب برای این گروه از شیعیان غلبه یافت و در عرف متکلمان، فقها و عامه برای آنان به کار گرفته شد. امامیه اعتقاد دارند که مصلحت دین به وجود امامی است که خداوند به واسطه او حجت را بر بندگانش تمام کرده است. امامیه قایلند به اینکه امام دین، کسی نیست جز معصومی که جانشین خداوند متعال است، نسبت به همه علوم دین آگاه است و کمال فضایل در اوست. آنچه از کرامات و معجزات، توسط امام انجام می‌گیرد، توقیفی است و به واسطه نص به او اختصاص یافته است. امامت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مشخص در بنی هاشم و سپس در علی علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام و بعد از آن در فرزندان امام حسین علیه السلام و نه امام حسن علیه السلام، تا آخرین امام اختصاص یافته است. امامیه معتقدند: رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان علیه السلام را در زمان حیات و به صورت نص، به عنوان امام و جانشین پس از خود تعیین کرد و اگر کسی امر پیامبر را فرو گذارد، امری از امور دین را فرو گذارده است. امامیه قایل است به اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنین بر امامت حسن و حسین علیهما السلام و علی بن حسین علیه السلام فرمان داد و پس از آن امیرمؤمنان و دیگر امامان به مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امام و جانشین پس از خود فرمان دادند. امامیه قایلند امامان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده نفرند و کسانی که عداوت داشتند، در این امر با آنها مخالفت کردند و بر آنچه خلاف جمهور ظاهری بود مانند قیاس عقل، خشنودی عامه و برهان جلی که متمسک به یقین بود، با امامان احتجاج کردند (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷-۴۱).

**اعتراض:** اعتراض در لغت از ریشه «عرض» بوده و به معنای مقابل طول، نشان دادن، لشکر بزرگ، قدرتمند،

پرداخته است. این مهم در ادامه به عنوان مقدمات بحث مطرح و در ادامه استدالات و نتایج آن خواهد آمد. مسادلونگ در تعریف تشیع، آن را مذهبی معرفی می‌کند که اهل بیت پیامبر ﷺ و شخص علی علیه السلام را مقدس می‌دانند. وی در این زمینه به حوادث دوران خلافت امام علی بن ابی طالب اشاره کرده و عقاید شیعی را مرتبط با آراء شیعیان می‌داند که در این دوران مطرح شد (مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۲۹).

شاید بتوان گفت: نخستین و مهم‌ترین مسئله در فهم تشیع برای نویسنده‌ای همچون مادلونگ، تبیین مسئله جانشینی رسول خدا ﷺ باشد. اگرچه مادلونگ تأکید بسیاری دارد که پیدایش تشیع مربوط به پس از رحلت رسول خدا ﷺ است (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰)، اما همو ریشه‌های شیعی را نه این زمان یا حتی سقیفه، بلکه مرتبط به دوران حیات پیامبر اسلام و دیدگاه ایشان نسبت به آینده جامعه اسلامی می‌داند (همان، ص ۲۷).

استدلال اصلی این نگاه، برخلاف روش معمول شیعه پژوهی غربی است که عمدتاً مبتنی بر ذهنیت‌گرایی و در ارتباط با موضوعات و پدیده‌های اجتماعی - تاریخی می‌باشد. براین اساس، دریافت مادلونگ نسبت به این مسئله متفاوت از دیگران است و به این نتیجه اولیه دست می‌یابد که بهترین نمونه جانشینی بعد از پیامبر ﷺ، علی علیه السلام است (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۱۶)، اما همو از سویی بر این مسئله تصریح می‌کند که حتی اگر پیامبر، جانشینی معرفی نکرده بود، اما در عین حال با آنچه پس از او رخ داد، هم موافق نبود (همان، ص ۲۷) و اضافه می‌کند: این حوادث (خلافت) با آموزه‌های دینی - اسلامی در تعارض است (همان، ص ۳۳-۳۴). برخی بر این عقیده‌اند که مادلونگ با بیان عبارت «اصلی‌ترین جنبه تشیع امامیه یعنی عدالت اجتماعی»، آن را به عنوان

زبان فارسی ترجمه شده، قابل دریافت است. از آثار مهم وی در این باب، تألیف ۵۶ مورد از مداخل *دائرة المعارف اسلامی* در باب تشیع و تألیف کتاب‌هایی همچون *مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، جانشینی حضرت محمد ﷺ، شیعه و معتزله، زیدیه و امامیه* و آثار دیگر است که برخی از آنها به فارسی ترجمه شده است. برخی بر این عقیده‌اند که مادلونگ سعی داشته تا درباره موضوعات مرتبط با تشیع به شیوه‌ای علمی و غیرمتعصبانه بحث کند و در موارد متعدد به مبانی فکری شیعی و آموزه‌های روایی و کلامی آن توجه داشته است و حتی در برخی موارد، نقدی بر پژوهش‌های مستشرقان دیگر وارد آورده و در نهایت مدعی بازخوانی منابع اسلامی است (صانع‌پور، ۱۳۹۳، ص ۳۸۰-۳۸۱)؛ اما با نگاهی دقیق‌تر معلوم می‌گردد وی در موارد متعدد دچار نگرش کارکردی و رفتارگرایانه مادی و به‌طورکلی نگاه استشراقی شده است. شاید بتوان گفت علت این امر آشنایی نداشتن یا عدم بهره‌گیری کامل از منابع اصلی شیعه، داشتن نگاه برون‌دینی، عدم تعیین یک گفتمان مشخص برای بحث و تحقیق و در برخی موارد، نادیده گرفتن مسائل مهم اعتقادی و تاریخی از جمله نقدهایی است که به آثار مادلونگ وارد است (ک: الویری، ۱۳۷۴، ص ۵۱-۵۲). اگرچه تحقیقات مادلونگ نسبت به دیگر شیعه‌پژوهان غربی بیشتر است، اما چارچوب دیدگاه وی در رابطه با تشیع مشخص نیست.

### ۳. مادلونگ، مفهوم و پیدایش تشیع

مقوله «اعتراض» در آثار مادلونگ موضوعی فرابخشی است و درک ابعاد آن، مبتنی بر مقدمات علمی است که او درباره مسائل مهمی همچون جانشینی رسول خدا ﷺ، پیدایش تشیع و مفاهیم آن و مقولاتی از این دست، به آنها

مهم‌ترین پیام شیعه در مقابله با ظلم و فساد می‌داند (صانع‌پور، ۱۳۹۳، ص ۳۷۷).

مادلونگ دربارهٔ پیدایش تشیع و مفاهیم آن، رویکرد پدیدارشناسانه و تاریخ‌نگری دارد. از این‌رو، اگرچه در مسئلهٔ جانشینی یا امامت در کتاب **جانشینی محمد ﷺ**، به نتیجهٔ نسبتاً مشخصی دست یافته که پیش از این به آن اشاره شد، اما آن را یک موضوع تاریخی می‌انگارد و به جای دست یافتن بر چارچوب نظری عقاید شیعی و مبانی آن، بر نقش تاریخ و رجال در تکوین و تطور آن تأکید می‌ورزد. وی از سویی، رحلت رسول خدا ﷺ و مسئلهٔ جانشینی را عامل پیدایش تشیع می‌داند و از سویی دیگر، پدیدهٔ تشیع را به زمان آغاز خلافت علی علیه السلام بازمی‌گرداند (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰). ولی در آثار دیگر خود میان این موضوع و قضیهٔ عبدالله بن سبأ یک نسبت ایجابی و علی برقرار کرده و بعضاً نظراتی دربارهٔ ریشه‌های پیدایش تشیع ارائه کرده که قابل نقد است (مادلونگ و نصر، ۱۹۹۵، ج ۲).

به نظر می‌رسد مادلونگ در مقوله پیدایش تشیع به دو حیطهٔ نظری و کارکردی شیعه قایل است و در حیطهٔ کارکردی مناسبات اجتماعی و تعامل آن با دیگران اعم از پدیده‌ها، افراد و احزاب را معیار تحلیل و تفسیر عقاید شیعی قرار می‌دهد؛ بدین معنا که او از یک‌سو، عقاید شیعی را به صورت انتزاعی مورد بحث قرار می‌دهد و از سوی دیگر، با در نظر گرفتن این موضوع در بستر زمانی و مکانی و در ارتباط با دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی بحث می‌کند. شاید از این جهت است که وقتی او با رویکرد تاریخ‌مندی - که مبتنی بر جزئی‌نگری و تغییر و نه الزاماً تکامل است - رفتار و نمادهای شیعی را تحلیل می‌کند، به این نتیجه دست می‌یابد که شیعه یک مذهب سیاسی و اجتماعی است. مادلونگ در خصوص

تحولات تاریخی منتهی به خلافت امام علی علیه السلام، بدون توجه به سابقه تشیع - که اساساً در منابع فرقه‌شناسی اسلامی به آن توجه زیادی شده - پیدایش آنان را با اعتراض کوفه و نقش شیعیان در مقابله با خلافت عثمان همراه می‌کند. از این‌رو، به نظر می‌رسد نویسنده میان دگرگونی‌های عراق و آمدوشدهای سیاسی و ظهور جریان‌های اجتماعی - عقیدتی مانند غلات و زندقه با عقاید شیعی نسبتی مستقیم برقرار می‌نماید. مادلونگ در این قضیه نیز دچار گفتمان استشراقی مبتنی بر تأثیر حتمی زمینه‌های بیرونی در شکل‌گیری و تطور آموزه‌ها و رفتارهای شیعی شده است. با توجه به مقدمات و رویکرد پدیده‌محور این شیعه‌پژوه غربی می‌توان گفت: تشیع یک مفهوم تاریخی است. از این منظر، بسیاری از آنچه به تشیع نسبت داده می‌شود، در طول زمان و توسط افراد مختلف به دست آمده و در مقایسه با مبانی و سابقه تشیع به گونه‌ای بدعت تلقی می‌شود.

مادلونگ در باب تأثیر اندیشه‌های دیگر و نقش زمان و تغییرات بیرونی در اندیشه شیعه امامیه معتقد است: از آنجاکه کیسانیه و شاخه‌های مختلف آن، پس از روی کار آمدن عباسیان از هم فروپاشید، امامیه در آموزه‌های تندرو شیعی، وارث آن گردید (مادلونگ، ۱۹۸۸، ش ۴)، همچنین در جای دیگری تصریح می‌کند: شاخه‌های متعدد کیسانیه طی دوران امویان عمده جناح بنیادی شیعه را تشکیل می‌دادند (دائرةالمعارف اسلامی، ج ۴). شاید بتوان گفت اشتباه مادلونگ از آنجا ناشی می‌شود که او ملاک و معیار برای شناخت عقاید شیعی را در عقاید رفتار اجتماعی فرقه‌های مختلف منتسب به تشیع در نظر گرفته و از این جهت، همسویی نگاه جزئی‌نگر تاریخی و پدیده‌محور زمینه‌ای اسباب سرگردانی اش را میان دیدگاه کلامی، رویکرد اجتماعی و تاریخی فراهم آورده است.



#### ۴. جایگاه امامت شیعی در مقوله اعتراض

یکی دیگر از موضوعات مهم مورد توجه مادلونگ در تبیین مراحل حیات فکری و اجتماعی - سیاسی شیعه، نقش رجال و تأثیر اندیشه‌ها و آثار آنان در تکوین و تکامل عقاید شیعی است. براین اساس، او دو گروه را مبنا قرار می‌دهد: نخست امامان شیعی و سپس دانشمندان شیعی (دائرةالمعارف اسلامی، ج ۳).

در باب فهم آراء مادلونگ نسبت به امامان شیعی، نخستین مسئله شناخت مسئله امامت و جایگاه آن در اندیشه شیعی است. برخی بر این عقیده‌اند که این موضوع، علی‌رغم اهمیتی که در مبحث تشیع و شیعه دارد (دائرةالمعارف اسلامی، ج ۴؛ مادلونگ، ۱۳۷۲)، اما در مجموع آثار مادلونگ مغفول مانده و مباحثی هم که وی به آن پرداخته، به خاطر نگاه برون‌دینی آن یا اکتفا به نظرات برخی افراد یا مکاتب فکری در عنوان آثار، روش تحلیل و سپس ارائه چارچوب مشخص اندیشه‌های شیعی قابل نقد و تأمل است (مادلونگ، ۱۳۷۲).

از جمله موضوعات مهم دیگری که در آراء مادلونگ قابل دریافت است، عقاید و مواضع امامان شیعی و نقش آنان در تقویت اجتماعات شیعی است (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۲۴؛ مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۲۸). روش و ابزار مادلونگ در این زمینه بیشتر از آنکه بر اساس مطالعه و دریافت وی از آثار و میراث بازمانده از اهل بیت علیهم‌السلام در منابع اصلی شیعی و نصوص دینی باشد، بر اساس رهیافت‌های تاریخی است که با تأکید بر فکت‌های تاریخی و مواضع امامان شیعی تمرکز یافته است. برای مثال، مواضع امام علی علیه‌السلام نسبت به حوادث تاریخی، گفت‌وگو با اشخاص مختلف و دیدگاه‌های آن حضرت نسبت به افراد و گروه‌های فعال اجتماعی و در نهایت، دوران حکومت آن حضرت از جمله مواردی است که

مادلونگ بر اساس آن شخصیت و موقعیت اجتماعی امامان را تحلیل می‌کند (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۳۳-۳۸).

در آراء مادلونگ مسئله امامت برآمده آراء و اندیشه امام جعفرین محمد علیه‌السلام است. وی در موارد متعدد ضمن تأکید بر نقش آن حضرت در شکل‌دهی فرقه امامیه و اتحاد میان شیعیان تندرو، معتقد است: اهمیت ویژه ایشان نخست به خاطر ایجاد یک نظام شرعی جامع و پس از آن، به واسطه طرح مسئله امامت بوده است. مادلونگ در توضیح تعالیم امامت برگرفته از آموزه‌های امام صادق علیه‌السلام می‌نویسد: «این عقیده بر این پایه استوار بود که بشر در همه کارهای مذهبی خود همواره نیاز به رهبری از جانب خدا دارد و جهان بدون چنین رهبری نمی‌تواند سرپا بماند. چنین رهبری باید معصوم باشد و طرد، نافرمانی و جهل نسبت به هریک از امامان، برابر با کفر و انکار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. بدین ترتیب، بیشترین یاران حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با پذیرش خلافت ابوبکر، از اسلام برگشتند و بیشترین بخش جامعه اسلامی همواره در حالت ارتداد به سر بردند» (مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). از نسبت میان این اعتقاد با چندین مقوله شامل جدایی شیعیان از زید، قرار دادن امام صادق علیه‌السلام به عنوان مؤسس نظام جامع شرعی امامیه و مقابله تشیع با خلافت - که در آراء مادلونگ موج می‌زند - استنباط می‌گردد که تفکر شیعی در مواجهه به مسائل اجتماعی و سیاسی دچار تحول مهم شده و انگیزه‌های سیاسی زمینه ارائه یک هویت دینی - مذهبی مستقل را فراهم آورد.

همچنین از تحلیل‌های مبتنی بر رویکرد تاریخی‌نگری مادلونگ، پیرامون مواضع و ایستارهای اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به مسائل و پیشامدهای اجتماعی و فرهنگی، دریافت می‌گردد که این پژوهشگر غربی علاوه بر تغافل نسبت به برخی از عناصر موجود در سیره قولی و

مادلونگ از گفت‌وگوهای میان علی علیه السلام و عبدالله بن عباس که به عنوان مقدمه تحلیل تاریخی - شخصیتی خود طرح کرده، به این نتیجه می‌رسد که «این روایت، شخصیت متفاوت این دو پسر عمو را نشان می‌دهد؛ این عباس فردی تیزبین در صحنه سیاسی و باتجربه بود. درحالی که خود هیچ آرمان غیرواقع‌گرایانه‌ای نداشت، اما علی علیه السلام به حق و رسالت دینی خود کاملاً یقین داشت. صداقت علی علیه السلام در سیاست و بی‌باکی و سخاوتش موجب شد او را به ساده‌نگری متهم کنند.» نکته جالب اینکه مادلونگ بدون آنکه ملزم به رویکرد تاریخی‌نگری خود باشد، قضاوتش را به مجموعه حکومت علی علیه السلام تعمیم می‌دهد و یادآور می‌گردد: «این ویژگی در همان آغاز فرمان‌روایی و در طول دوران خلافتش آشکار شد» (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲).

مهم‌ترین دلایلی که مادلونگ برای نقد دوران خلافت علی علیه السلام به کار می‌گیرد، عبارتند از: مواضع و ایستارهای علی علیه السلام نسبت به موضوعات مختلف (همان، ص ۲۶۷)، عدم پذیرش عمومی یا تحمیلی بودن حکومت علی علیه السلام و بی‌توجهی وی به این مخالفت‌ها (همان، ص ۲۵۰).

مادلونگ همچنین با طرح سیاست و زیرکی خلفای پیشین و آینده‌نگری برخی از صحابه، به نقد غیرمستقیم رفتارهای سیاسی علی علیه السلام می‌پردازد و با تأکید بر دیدگاه عمر نسبت به علی علیه السلام، این مطلب را به نادرست در ذهن مخاطب القا می‌کند که خودداری علی علیه السلام از ورود به بازی‌ها و ترفندهای سیاسی «او را از موفقیت در زندگی محروم کرد» (همان، ص ۴۴۲). بدین معنا، مادلونگ با طرح سیاست و حاکمیت علوی و تصریح بر الگویی بودن این حکومت برای ستایشگران وی و تأکید بر مقولاتی همچون بی‌توجهی، مخالفت، خشونت، بی‌نظمی و انعطاف‌ناپذیری و ساده‌نگاری که از ویژگی‌های حکومت

عملی پیشوایان معصوم، از فهم اندیشه دینی حاکم بر جهت‌گیری‌های فردی و اجتماعی آنها نیز عاجز مانده است. برای نمونه، در قضیه قتل عثمان، مواضع علی علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام را در مقابل هم قرار داده و همان‌طور که حسن بن علی را دوستدار عثمان معرفی می‌کند، معتقد است آن حضرت، به واسطه دفاع نکردن پدرش از عثمان، او را مورد انتقاد قرار داده است (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱-۲۰۲).

مادلونگ در مقایسه میان مواضع سیاسی علی علیه السلام و ابن عباس به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویی تدبیر سیاسی و آگاهی ابن عباس بر علی علیه السلام غلبه دارد و علی علیه السلام در صورتی که به پیشنهادها و نظرات ابن عباس توجه کند، می‌تواند از مشکلات و بحران‌های پیش‌رو جلوگیری نماید. در غیر این صورت، بهترین کار این است که خلافت را واگذار نماید. مادلونگ پس از این تحلیل به اخبار موجود استناد می‌کند و می‌نویسد: «می‌توان احتمال داد که گفته ابن عباس در توصیه به علی علیه السلام برای ترک مدینه و رفتن به یثرب ناشی از آینده‌نگری‌های ابن عباس بوده است» (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱).

یافته‌های مادلونگ در تعریف برخی از ویژگی‌های پیشوایان معصوم، اگرچه برگرفته از رویکرد علمی و مبتنی بر مطالعات فرابخشی او بوده - که البته قابل توجه است - اما هم در بیان مواضع اجتماعی و سیاسی ایشان رویکردی کارکردگرایانه و تعامل با محیط را برمی‌گزیند و به این نتیجه می‌رسد که آرمان‌ها و آموزه‌های شیعی که در وجود امامان شیعی تجسم یافته، بیشتر از آنکه با واقعیات زمانه و پدیده‌های اجتماعی سازگار باشد، برگرفته از افکار و اندیشه‌های غیرواقع‌گرایانه و آرمان‌خواهی ایشان است. در این میان، آنچه باعث پیشبرد و موفقیت افراد و گروه‌های مختلف در برابر شیعه می‌شد، آینده‌نگری، واقع‌گرایی و تیزبینی رقبای آنان بوده است. برای مثال،

اسلامی و ایجاد دسته‌بندی عمیق میان آنها شد و این یعنی جنگ داخلی (همان، ص ۲۱۸). براین اساس، مطابق با مقدمات، استدلال‌ها و چینش موضوعاتی که مورد توجه مادلونگ بوده، دیدگاه‌ها و رفتار سیاسی متفاوت علی علیه السلام نه تنها به مصلحت عمومی نبود و مورد پذیرش اکثریت جامعه واقع نشد، چه بسا مایه اختلاف و تفرقه تاریخی میان امت اسلامی نیز گردید (همان، ص ۲۱۸-۲۱۹). بدیهی است ذهنیت تاریخی ایجادشده از این منظر، نه تنها امکان حضور سیاسی - اجتماعی شیعیان را سلب می‌کند، بلکه با هر اندیشه ناشی از بدعت و تعارض و محدودیت‌انگاری غیرواقع‌بینانه در تعارض قرار خواهد گرفت. براین اساس، ماحصل اندیشه اجتماعی - سیاسی شیعه چیزی جز تنش و تعارض و رکود نخواهد بود و این مطابق با مصالح عمومی مسلمانان و جامعه اسلامی نیست. مادلونگ همچنین در تحلیل اندیشه اجتماعی - تعاملی شیعیان به مقوله تعارض و تداخل در اندیشه و عملکرد سیاسی - اجتماعی امامان شیعه و تقابل یا حداقل عدم قبول مواضع امامان از سوی یکدیگر دست می‌یابد (دائرةالمعارف اسلامی، ج ۱۱، ص ۱۸۲). بخشی از این نگاه ناشی از رویکرد پدیدارشناسانه حوزه استشراق، ناتوانی مادلونگ در فهم منطقی مسئله امامت و مفاهیم آن، عدم بهره‌برداری کافی از منابع اصیل اسلامی و عدم پایبندی کامل به رویکرد تاریخی و جریان‌شناسی پدیده‌های اجتماعی است.

ادله مبتنی بر این دریافت، ناشی از مصادیق تاریخی است که برای نمونه، مادلونگ در تبیین شخصیت امام حسن علیه السلام و امام علی علیه السلام و نیز صلح امام حسن علیه السلام با معاویه و دیدگاه‌های آن حضرت نسبت به این پدیده، به آن می‌پردازد و در تحلیل مواضع امام حسن علیه السلام نسبت به علی علیه السلام می‌نویسد: «هرچند در عادلانه بودن اعمال

اوست، مسئله اعتراض و تقابل شیعه در برابر شرایط محیطی، سیاسی و اجتماعی وقت را دلیلی بر تطابق آن با رفتار و عقاید رهبران آنها می‌داند و تصورش این است که این اندیشه به واسطه آرمان‌گرایی فضیلت‌مدارانه، غیرواقع‌بینی، وظیفه‌گرایی، عدم انعطاف نسبت به واقعیت‌های اجتماعی - فرهنگی، عدم تعامل با دیگران و بی‌توجهی نسبت به راه‌های کسب موفقیت، عملاً از ایفای نقش فعال سیاسی بی‌نصیب و ناموفق خواهد بود.

وی همچنین در بیان ویژگی‌های خلافت علی علیه السلام، به نقد شیوه انتخاب عمومی که برگرفته از نوعی نگاه مبتنی بر مشروعیت اجتماعی (دموکراسی متعهد) است، می‌پردازد و بر این عقیده است که چون علی علیه السلام به روش شورایی انتخاب نشد یا فاقد پشتیبانی اکثریت قریب بود، روی کار آمدن او با مبانی خلافت مغایرت داشت (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱). البته این تحلیل از یک‌سو، بیانگر واقعیت‌های اجتماعی موجود در جامعه اسلامی است که ریشه در جریان‌های فعال فکری و سیاسی موجود داشته است، اما نباید از این نکته غافل شد که مادلونگ در این زمینه درصدد اثبات دریافته‌های خود است و الزامی برای ثبوت جریان‌های فکری موجود در جامعه اسلامی آن زمان نیست. دلیل این مدعا این است که مادلونگ این نکته را در پاسخ و نقد دیدگاه علی علیه السلام نسبت به خلفای پیشین مطرح می‌کند و تصریح می‌نماید: از نظر علی علیه السلام معیارهایی که دو خلیفه نخستین برای حاکمیت مشروع وضع کرده بودند، اصالت نداشت (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱).

دلیل دیگری که مادلونگ برای تأیید جعل سیاسی دوران خلافت مطرح می‌کند، پیامدهای عمومی ناشی از زمامداری آن حضرت می‌باشد. مادلونگ بر این عقیده است که انتخاب علی علیه السلام باعث از بین رفتن اتحاد امت

و احوال موجود را بر پیروان خود تکلیف نمود (مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). دو رکن اساسی این تفکر، عدم تجویز برای تشکیل حکومت یا مشارکت در آن و امیدواری به آینده در گروه تسلیم و رضا بوده است (همان).

### ۶ جایگاه جنبش‌های فکری و اجتماعی در اعتراض

یکی از مراحل مهم در تطور اندیشه سیاسی - اجتماعی شیعه، مبارزات سیاسی و جنبش‌های اجتماعی شیعیان است که با تحرک امامان شیعی و به‌ویژه قیام امام حسین علیه السلام شروع می‌گردد (احیاء حسینی، ۱۳۸۸، ص ۹۷). مادلونگ در تداوم این بحث، به تبیین قیام زیدبن علی علیه السلام می‌پردازد و از جانب پیروان امامان (شیعیان) درباره این قیام سخن می‌گوید و مدعی است که اقدام زید شورش بود که از جانب شیعیان تندرو طرد شد و با گرایش آنان به سوی امام جعفر بن محمد علیه السلام، عملاً «فرقه امامیه به گونه جماعتی مذهبی با فقه خاص و بنیادها و شعایر کلامی ویژه پدیدار گشت» (مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸). بدین ترتیب، مادلونگ زمان پیدایش امامیه را بعد از زیدیه می‌داند و تفاوتی که وی برای بیان علت جدایی شیعیان از زید و پذیرش رهبری و امامت امام جعفر بن صادق علیه السلام آورده، موضع این دو گروه نسبت به دو خلیفه نخست، «به عنوان غاصبان ستمکاره حقوق امام علی علیه السلام» است. بدین معنا که زید قایل بود نباید آنها را محکوم کرد. تعبیر «تندرو» برای کسانی که با رها کردن زید، به او اعتراض کردند، به گونه‌ای بیانگر رفتار معتدل و میانه‌رو زید و تأیید او هم به‌شمار می‌رود (همان).

مادلونگ در عین حال، مطالعاتی در زمینه فرقه‌ها و مشاهیر شیعی دارد؛ اما نتوانسته آنها را از هم تفکیک و نقاط فصل و تمایزشان را مشخص نماید (دائرةالمعارف اسلامی، ج ۲). اما آنچه قابل دریافت است اینکه وی

علی علیه السلام شبهه‌ای به دل راه نمی‌داد، بعضی از پیگیری‌های نظامی پدر برایش ناگوار بود و گاهی با صراحت بر او خرده می‌گرفت» (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۴۳۰-۴۴۰).

همچنین با تأکید بر اقدامات امام حسن علیه السلام در برابر معاویه، نتیجه می‌گیرد که آن حضرت «صلح طلب و آشتی‌جو» بود (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۴۴۴) و استدلال وی در این امر، رفتار آن حضرت با کوفیان، چگونگی دعوت آنان برای جنگ با معاویه و انتخاب فرماندهان جنگی می‌باشد. برای نمونه، می‌نویسد: «با لحنی سرد مردم کوفه را خطاب قرار داده و آنان را به جنگ با معاویه فراخواند.» و اضافه می‌کند: «انتخاب عبیدالله برای فرماندهی و تقدم بر جنگجویانی چون قیس بن سعید و سعید بن قیس حاکی از آن بود که حسن علیه السلام تمایلی به جنگ نداشت. او هنوز هم امیدوار بود به صلح با معاویه دست یابد. او می‌دانست عبیدالله کاملاً احساس او را درک می‌کند و از هیچ اقدامی برای جلوگیری از جنگ کوتاهی نمی‌کند» (همان، ص ۴۵۳).

### ۵. نسبت میان تقیه و اعتراض

یکی از مفاهیم مهم در عقاید شیعی مقوله «تقیه» است که مادلونگ نسبت به آن بی‌توجه نبوده، اما تمایلی هم به فهم مبانی و قواعد آن نشان نداده است. یکی از دلایل این مدعا آن است که مادلونگ رفتار اجتماعی و سیاسی امامان شیعه پس از شهادت امام حسین علیه السلام تا دوران امامت امام رضا علیه السلام و به‌ویژه مسئله ولایتعهدی را که بخشی از اندیشه سیاسی و اجتماعی شیعه را به خود اختصاص می‌دهد، دوران جدایی یا انزجار شیعه از سیاست می‌نامد (مادلونگ و نصر، ۱۹۹۵، ج ۲). در آراء مادلونگ، تقیه همان حالت تسلیم و رضایی است که امام صادق علیه السلام با طرح آن، وظیفه اساسی دینی در قبال اوضاع

مؤثر در حیات شیعی می‌باشد. اگرچه به نظر می‌رسد این امر برای پاسخ به سؤالاتی مانند منشأ پیدایش تشیع، حیات تاریخی شیعه و تمایز فکری و عقیدتی شیعه نسبت به سایر مذاهب اسلامی است؛ اما به واقع، استنباطی دیگر هم به دست می‌آید. بدین شرح که مقولهٔ اعتراض به صورت کلی مورد پذیرش عموم شیعیان است، ولی سطوح حضور آن در جامعه به عنوان یک رفتار اجتماعی دگراندیش، نسبت مستقیمی با درک مفاهیم شیعی در فرقه‌های مختلف شیعه، میزان الگوپذیری شیعیان از پیشوایان خود اعم از پیشوایان معصوم، دانشمندان شیعی و بزرگان فرقه‌های مختلف و واکنش عمومی شیعیان نسبت به تحولات اجتماعی - سیاسی دارد. این مسئله در برخی فرقه‌ها مانند امامیه به صورت اصلاحی و آرام و در برخی فرقه‌ها مانند زیدیه به صورت انقلابی ظهور یافته است (مادلونگ، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷-۱۹۲؛ مادلونگ، ۱۳۷۲).

#### ۸ جایگاه دانشمندان و مراکز امامیه در اعتراض شیعی

یکی دیگر از موضوعات مورد بحث در آراء مادلونگ، نقش و موقعیت دانشمندان امامیه (مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷) و برخی از مراکز و محافل علمی مانند قم و عراق در حیات علمی و تکامل تاریخی شیعه است (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۲۷). وی در مقالهٔ «اخلاق ناصری و نسبت آن با فلسفه تشیع و تصوف» در شرح اندیشه‌های خواجه نصیرالدین طوسی و آگاهی‌اش نسبت به نیازها و مقتضیات زمان تصریح می‌کند که مبانی فکری و کلامی شیعی شیخ باعث شد تا او به دفاع از میراث خود بپردازد و بر این نکته تصریح می‌ورزد که دیدگاه شیخ در باب ضرورت تغییر احکام الهی و اجرای آن توسط حاکمان

امامیه یا تشیع اثناعشری را مرادف شیعه می‌داند (همان). به نظر می‌رسد این رهیافت بیشتر مبتنی بر رویکرد کارکردی شیعه در برخی حوزه‌های اجتماعی - سیاسی و مطالعات مذهبی اسلامی و استشرافی است که تبلور عقاید شیعی را در امامیه معرفی می‌کند. برخی معتقدند: مادلونگ در فهم عقاید شیعی به صورت روشمند، منابع نقلی را از دلایل عقلی جدا کرده و بسیاری از عقاید مطرود و خاصی را که به شیعیان نسبت داده می‌شود، مورد نقد و بازخوانی قرار می‌دهد (بهشتی مهر و تقی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۳۸-۳۹).

مادلونگ برای دست یافتن به مفهوم اعتراض و ناراضیتی در تشیع، به جریان‌های فکری و اجتماعی مشهور متوسل می‌شود. در نتیجه، از هر کدام آنها نشانه‌ای برای تبیین مفاهیم شیعی و ارتباط با آن فرایند تکاملی - تطوری تشیع استفاده می‌کند. برای نمونه، در تبیین عقاید کیسانیه بر تأثیرپذیری مبانی کلامی و اعتقادی شیعه از برخی گروه‌های فکری و عقیدتی فعال مانند معتزله و کیسانیه تأکید نموده و فرایند این امر را از تقابل تا قبول تشریح می‌کند (مادلونگ، ۱۳۶۲؛ مادلونگ، ۱۳۷۸). مادلونگ همچنین دیدگاه‌های زندیقان و بددینان را به عنوان بخشی از مراحل حیات شیعی در نظر گرفته است. از این نمونه، می‌توان به عقاید و مواضع خرم‌دینان اشاره کرد (احیاء حسینی، ۱۳۸۸، ص ۹۷).

مادلونگ همچنین در تبیین نسبت میان اعتراض و تشیع به گونه‌ای عمل کرده که به نظر می‌رسد نسبت مستقیم، عینی و اثرگذاری میان این دو مقوله وجود دارد. مطابق با آنچه در بخش‌های مختلف این تحقیق آمد، روش مادلونگ در این‌باره مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسانه نسبت به جریان‌های فعال اجتماعی با تأکید بر چینش و گزینش حوادث و پیشامدهای تاریخی

حکیم بنا به مقتضیات زمان و برگرفته از مبانی کلامی شیعی است. از این رو، در زمان حیات خود «در جامعه شیعی مقام مرجعیت عام دینی در عصر غیبت امام زمان تنها بر عهده او قرار داشت» (مادلونگ، ۱۳۷۸؛ ر.ک: مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۳۶-۳۷).

### ۹. بررسی پایانی

بر اساس آنچه تاکنون بیان شد، معلوم می‌گردد که مادلونگ اگرچه مفهوم اعتراض را یک مفهوم تاریخی و دارای تحول گفتمانی می‌داند، اما در عین حال، نتوانسته است ادله و مستندات کافی برای دیدگاه خود ارائه دهد. به همین جهت هم در فهم و تبیین اندیشه شیعی و هم در توصیف و تحلیل جهت‌گیری‌های فکری و مواضع پیشوایان معصوم در مواجهه با تحولات اجتماعی دچار نگرش‌های ناقص و بعضاً ناصواب تاریخی شده است تا جایی که در مواردی نسبت به واقعیت‌های تاریخی تغافل نموده یا دچار سوء برداشت شده است.

مادلونگ از فهم این مسئله عاجز است که در ادوار مختلف، به تناسب پیشامدهای اجتماعی و ظرفیت‌های عمومی و مقتضیات زمانی، آموزه‌های وحیانی و معارف الهی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام توسط پیشوایان معصوم طرح و اجرا شده و پس از آن در قالب عقاید امامیه مورد استفاده قرار گرفته است. وی اگرچه در مواردی بر شایستگی و اولویت خاندان پیامبر بر رهبری و هدایت جامعه تأکید کرده (مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۱۶) و حوادث پس از رحلت آن حضرت را نوعی انحراف از سنت می‌داند (همان، ص ۲۷)، اما خود در موارد متعدد دیگر به این نظر پایبندی چندانی ندارد و بیشتر از هر چیز دچار پیش‌داوری شده است.

در نقد دیدگاه مادلونگ باید گفت: اگرچه برخی می‌گویند عامل شناخت حضور شیعیان در تحولات

سیاسی، مسائل فرقه‌ای و تحولات اجتماعی بوده، اما این نقد به آنها وارد است که رفتارهای اجتماعی امامیه در مواقعی هم به صورت انقلابی به معنای تغییر بنیادین در راستای تحقق آموزه‌های الهی و معارف اهل بیت علیهم‌السلام ظهور کرده یا خواهد نمود که از آن میان، می‌توان به حماسه کربلا، قیام امام مهدی (عج) و برخی از قیام‌های شیعی و نمونه بارز آن ظهور انقلاب اسلامی در ایران اشاره کرد. کما اینکه زیدیه را هم نباید چنان‌که عباسیان القا کردند، الزاماً به عنوان یک جریان افراطی شبیه خوارج - که دارای رویکردهای انقلابی خشونت طلب بودند - تصور کرد. بر این اساس، اطلاق مقوله اعتراض به حرکت‌های فعال اجتماعی - سیاسی شیعی بدون درک چارچوب اندیشه سیاسی - فلسفی و اجتماعی و رفتار مبتنی بر آن بی‌معنا خواهد بود. از سویی، برخی از حرکت‌های فعال اجتماعی در هیچ‌یک از دو گروه مذکور قرار نمی‌گیرند و می‌توان آنها را به عنوان حرکت‌های دو جانبه اصلاحی - انقلابی معرفی کرد. این موضوع به‌ویژه زمانی که جریان‌های شیعی موفق به تأسیس نظام‌ها و نهادهای سیاسی - اجتماعی شده‌اند (مانند دوران بویه‌یان، فاطمیان و صفویان) بیشتر قابل تطبیق است. بر این اساس، نتیجه‌گیری نهایی مادلونگ در این زمینه قابل تأمل و محل نقد است که مجالی مستقل را می‌طلبد.

### نتیجه‌گیری

مطالعات انجام‌شده در زمینه ارتباط اعتراض و تشیع، سؤالی کلیدی را برای محقق مطرح نمود؛ اینکه در نظر شرق‌شناسان و کسانی که در حوزه ایران، اسلام و خاورمیانه صاحب‌نظر هستند این ارتباط چگونه است؟  
۱. این‌گونه به نظر می‌رسد که در مورد ارتباط میان تشیع و اعتراض، اختلاف‌نظر وجود دارد. در این زمینه،

صورت یک تاریخ پیوسته درک کند و بتواند نسبت این جریان پیوسته را با اعتراض مشخص نماید. براین اساس و با توجه به برداشتی که وی از تشیع و اعتراض دارد، نمی‌توان مفهوم مشترکی میان آن با آموزه‌های و حیانی، نصوص دینی، و گواهی تاریخی برقرار کرد.

#### منابع .....

ابن منظور، محمدبن مکرّم، بی‌تا، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر. احمدوند، عباس، ۱۳۷۷، «گذری بر مطالعات شیعی در غرب»، *مقالات و بررسیها*، دفتر ۶۳، ص ۱۵۳-۱۸۸.

احیاء حسینی، غلام، ۱۳۸۸، *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان*، قم، شیعه‌شناسی.

الویری (خندان)، محسن، ۱۳۷۴، «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنا عشری»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام*، سال اول، ش ۲، ص ۸۶-۵۱.

بدیع یعقوب، امیل و میشل عاصی، ۱۹۸۷، *المعجم المفصل فی اللغة والأدب*، بیروت، دارالعلم للملایین.

بهشتی‌مهر، احمد و محمود تقی‌زاده داوری، ۱۳۹۳، «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی»، *پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، سال پانزدهم، ش ۶۰، ص ۴۴-۲۳.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۸، *دانش اجتماعی*، تهران، سپاه پاسداران.

زقزوق، محمود حمدی، ۱۳۹۲، *شرق‌شناسی و پیشینه فکری برخورد تمدن‌ها*، ترجمه و تحقیق سیدمصطفی زارعی، مشهد، آستان قدس رضوی.

سعید، ادوارد، ۱۳۸۹، *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

سیفی، یوسف، ۱۳۹۱، «ژئو کالچر اسلام‌گرایی شیعی در خاورمیانه و تأثیر آن بر بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، *آفاق امنیت*، ش ۱۷، ص ۹۴-۶۳.

صانع‌پور، مریم، ۱۳۹۳، *شیعه‌شناسان عربی و اصول اعتقادات شیعه دوازده امامی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۵۴، *شیعه در اسلام*، مقدمه

آراء یکی از مشهورترین و پرارجاع‌ترین شرق‌شناسان یعنی مادلونگ مورد بررسی قرار گرفت. وی فارغ از توجه به معنی مثبت یا منفی، نگاهی خنثا دارد یا حداقل معتقد است: اعتراض در ریشه‌های تاریخی و اعتقادی تشیع نهفته است و از این رو، در نسبت میان تشیع و مفهوم اعتراض بیشتر بر جریان‌ات تاریخی، تکامل تدریجی و زمان تأکید دارد تا بر مبانی و آموزه‌های شیعی.

۲. بر مبنای نظرات مادلونگ، شرایط جامعه و دیدگاه‌ها و رویکردهای امام وقت در شکل‌گیری این ارتباط نقشی کلیدی داشته است. مادلونگ معتقد است که مفهوم «امامت» ایجادکننده شرایطی در جوامع شیعی امامی است که هرگونه حرکتی را منوط به تأیید امام حاضر می‌کند. در واقع، نیاز اصلی جوامع اسلامی وجود امام است که در همه امور راهنمای امت خود باشد و «اعتراض» نیز یکی از همین امور است. بر این مبنای شیوه اعتراض اعم از اصلاحی و انقلابی نیز با نظر امام وقت صورت می‌گیرد. برای مثال، گرچه در زمان امام جعفر صادق علیه السلام فرصت مناسبی برای تشکیل جنبشی اعتراضی ایجاد شد، ولی به دلیل مخالفت این امام جنبشی شکل نگرفت. این در حالی است که امام موسی کاظم علیه السلام رویکرد اعتراضی تری نسبت به شرایط موجود داشت.

۳. مادلونگ بر آن است که امام وقت در تعیین رویکرد اعتراضی جوامع امامی نقشی کلیدی داشته است، ولی او از زاویه دیگری به این مقوله می‌نگرد. در واقع، مادلونگ معتقد است که فقه شیعی به صورت جامع در زمان امام جعفر صادق علیه السلام شکل گرفت. نتیجه این موضوع آن است که شیعه امامی از دوران این امام هویتی مشخص و معین یافت و به تبع این قضیه، مفاهیمی مانند امامت نیز به طور کامل تعین یافتند. این نوع برداشت منجر به آن شده است که مادلونگ تاریخ شیعه امامی را به

- Halm, H., 1997, *Shi'a Islam: From Religion to Revolution*, Marcus Wiener Publisher, Princeton.
- Madelong \_ hossein Nasr, 1995, *The Oxfprd Encyclopedia of modrrn Islamic world*, editor, Esposito, Oxford University Press.
- Madelung, 1986, "HISHAM B. AL-HAKAM", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 3, Leiden, Brill.
- Madelung, 1988, *Religious Trends in Early Islamic Iran*, n4. "shia".
- Madelung, Wilferd, 1997, *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, Leiden, Brill, "SHIA".
- Nasr, V., 2006, *The Shia Revival: How conflicts within Islam will shape the future*, New York, Norton.
- Salami, I, & Z. Othman, 2011, "Shia Revival and Welayat Al-Faqih in the Making of Iranian Foreign Policy, Politics", *Religion & Ideology*, Vol. 12, No. 2, p. 197-212.
- The Encyclopaedia of Islam*, 1986, 2nd edition, Leiden, Brill, v3, v4, v9, v7, v5, v11.
- Vaezi, A, 2004, *Shia Political Thought*, Published by Islamic Centre of England.
- سیدحسین نصر، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.  
فلاطوری، عبدالجواد، ۱۳۵۲، تحقیق عقاید و علوم شیعی اهمیت و ثمرات علمی آن، یادنامه علامه امینی به کوشش جعفر شهیدی و حکیمی، تهران، سهامی انتشار.  
مادلونگ، ویلفرد، ۱۳۷۲، «ترجمه شیعه امامی و زیدی»، ترجمه رسول جعفریان، کیهان اندیشه، ش ۵۲، ص ۱۴۹-۱۶۱.  
\_\_\_\_\_، ۱۳۶۲، تشیع امامی و کلام معتزلی، ترجمه محمد آرام، در: کتاب شیعه در حدیث دیگران، زیر نظر مهدی محقق، تهران، دائرةالمعارف تشیع.  
\_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، جانشینی حضرت محمد ﷺ، ترجمه احمد نمایی و دیگران، چ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی.  
\_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، «جایگاه آثار اخلاقی طوسی در فلسفه تشیع و تصوف»، ترجمه پروانه عروج‌نیا، معارف، ش ۴۸، ص ۸۵-۱۰۲.  
\_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، «زیدیه»، ترجمه محمد منافیان، طلوع، ش ۱۰، ص ۱۷۷-۱۹۲.  
\_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، «سلطان عادل در فقه شیعه»، ترجمه علیرضا عنایت‌خردنامه همشهری، ش ۱۰، ص ۳۶-۳۷.  
\_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، فرقه‌های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، اساطیر.  
مدرسی طباطبایی، سیدحسین، ۱۳۸۹، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران، کویر.  
مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۴ق، اوائل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، چ دوم، بیروت، دارالمفید.  
موسویان، حسین، ۱۳۷۵، آراء و افکار اسلام‌شناسان معاصر آلمان، تهران، وزارت امور خارجه.  
هالم، هاینس، ۱۳۸۹، تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، چ دوم، قم، ادیان.  
Abbott, K, 1990, *Contemporary Shi'ism as Political Ideology*, Canada, University Montreal.  
Bayat, Mangul, 1991, *Iran's first Revolution: Shi'm and Constitutional Revolution*, Oxford University Press.  
Dakake, M., 2006, "Hideinh in Plain Sight: The Practical and Doctrinal Significance of Secrecy In Shi'ite Islam", *Journal of the American Academy of Religion*, Vol. 74, No. 2, p. 324-355.